

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل آیدنولوژیک

داکتر سها

۰۳ سپتمبر ۲۰۱۵

نقد قرآن

۱۱

برجهای آسمان

در ستاره شناسی قدیم، دایره بزرگی را که خورشید در طول يك سال طی می کند، به ۱۲ قسمت فرضی تقسیم کرده بودند و به آنان برجهای دوازده گانه می گفتند و هر برج را بر اساس صورت فلکی که مسیر از آن می گذشت نامگذاری کرده بودند. این برجاها توسط بطلمیوس در قرن دوم میلادی نامگذاری شد. شامل: حمل (قوچ)، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت. طبعاً مردم قدیم این برجاها را واقعی می پنداشتند و محمد هم آنان را واقعی پنداشته و در آیات زیر گفته که خدا این برجاها را در آسمان قرار داده است.

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ (۱۶) حجر

ترجمه: به درستی که ما در آسمان برجهایی (بروجی) قرار دادیم و آسمان را برای نگاه کنندگان زینت دادیم.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) بروج

ترجمه: سوگند به آسمان که دارای برجهاست (۱)

این آیت به احتمال قوی از کلام شاعر مشهور عرب جاهلی قس بن ساعده الایادی که گفته: "وسماء ذات أبراج" گرفته شده است ۱

واضح است که این آیات از يك انسان است نه از خدا، وگرنه خدا می دانست که اینها فرضیات غلطی هستند که به زودی برمی افتند.

شب در جستجوی روز شتابان است

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۵۴) اعراف

ترجمه: در حقیقت پروردگار شما آن خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت روز را به شب که شتابان آن را می طلبد می پوشاند و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد] آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست فرخنده خدائی است پروردگار جهانیان (۵۴)

در واقع، روز وجود نور و شب عدم نور است نه چیزی که چون چادر روز را ببوشاند. بنابراین پوشانده شدن روز توسط شب غلط است و همچنین نه شب روز را می طلبد و نه روز شب را می طلبد. بنابر این در این آیت دو غلط

واضح وجود دارد. علت آنست که محمد شب را يك امر وجودی می دانسته و به آن کارهای خاصی را نسبت داده است. ممکن است گفته شود که اینها تشبیهات شاعرانه اند. اما خدا اگر تشبیه هم بکند تشبیه درست می کند نه غلط.

ماه نور است.

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶) نوح
ترجمه: مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را طبقات روی هم آفریده است (۱۵) و ماه را در میان آسمانها نور قرار داد و خورشید را چراغ قرار داد (۱۶)
در این دو آیت حداقل دو غلط علمی وجود دارد. اولاً: ماه نور نیست ۲ بلکه کره ای است خاکی از جنس زمین و تنها نور خورشید را منعکس می کند.

ثانیاً: آیا ماه نور هفت آسمان است. کل منظومه شمسی ما ذره ناچیزی در کهکشان ماست و کهکشان ما یکی از صدها میلیارد کهکشان و خورشید ما ستاره ای متوسط از میلیاردها ستاره کهکشان ماست. بنابراین ماه حتی در منظومه شمسی شیء نورانی به حساب نمی آید چه رسد به این که نوری باشد برای کل هستی. جالب است بدانید که بعضی از مؤمنان گفته اند این آیت معجزه است؟! برای اینکار "هن" را که ضمیر جمع است به غلط به ماه که مفرد است ارجاع داده اند و بعد چنین ترجمه کرده اند که "خدا در ماه نور قرار داد" خوب که چی؟ آیا بیان نور قرار داشتن در ماه که می تواند به صورت انعکاس یا ناشی از خودش باشد، معجزه است؟ حیوانات هم که می دانند در ماه نور است. ولی در واقع ضمیر هن جمع است و به آسمانها بر میگردد و معنی این می شود که خدا ماه را در میان آسمانهای نور قرار داد یعنی ماه از جنس نور است، همانطور که کودکان می پندارند، که غلطی فاحش است. این روش روحانیون و روشنفکران دینی است که با تغییر معانی قرآن و به غلط معنی کردن آن، سعی در فریب مردم دارند.

روز خورشید را آشکار می کند.

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا (۱) وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا (۲) وَالنَّهَارَ إِذَا جَلَّاهَا (۳) الشمس

ترجمه: سوگند به خورشید و تابندگی اش (۱) سوگند به ماه چون در پی [خورشید] رود (۲)

سوگند به روز چون [خورشید را] آشکار گرداند (۳)

آیا روز است که خورشید را آشکار می کند؟

خیر خورشید است که موجب پیدایش روز می شود. یعنی قرآن مطلب را معکوس گفته است. اینهم غلطی فاحش و کودکانه است. چون کودکان گمان می کنند که روز که می شود خورشید آشکار می شود و برایشان سخت است که بفهمند که خورشید که آشکار می شود روز را پدیدار می کند

شب خورشید را می پوشاند

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا (۱) وَالْقَمَرَ إِذَا تَلَاهَا (۲) وَالنَّهَارَ إِذَا جَلَّاهَا (۳) وَاللَّيْلَ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) الشمس

ترجمه: سوگند به خورشید و تابندگی اش (۱) سوگند به ماه چون در پی [خورشید] رود (۲) سوگند به روز چون

[خورشید را] آشکار گرداند (۳) سوگند به شب چون آن را (خورشید را) بپوشاند (۴)

آیا شب خورشید را پنهان می کند؟ خیر حرکت زمین است که موجب ناپیدائی خورشید در یکسوی زمین می شود یا نا آشکار بودن خورشید است که موجب پیدایش شب می شود . اینهم غلطی فاحش و کودکانه است . چون کودکان گمان می کنند که شب است که خورشید را پنهان می کند . اصولاً محمد تصور غلط و کودکانه یا ابتدائی از روز و شب داشته است و برای آنان، جدا از نور، وجود مستقلی قائل بوده است . در حقیقت روز لغت دیگری برای وجود نور خورشید است و شب نیز لغت دیگری برای عدم وجود نور خورشید است . اینها وجود مستقلی ندارند .

سجود سایه ها

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ (۱۵) رعد

ترجمه : و هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه با سایه هایشان بامدادان و شامگاهان برای خدا سجده می کنند (۱۵)

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ (۴۸) نحل

ترجمه : آیا به چیزهایی که خدا آفریده است ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و از چپ می گردد و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می ساینند (۴۸)

در این آیات دو غلط واضح وجود دارد . اولاً سایه امری عدمی است و سجود آن بی معنی است . مثل اینست که بگوئید صفر فلان کار را می کند . عدم فهم این موضوع فلسفی توسط اعراب بدوی ۱۴۰۰ سال پیش طبیعی است و همین امر مؤید اینست که این آیات ساخته محمد است نه خدا . اشکال دوم اینست که در آیت ۱۵ رعد گفته سایه های آنچه در زمین و آسمانست در صبح و عصر سجده می کنند . یعنی تمام آنچه در آسمانها و زمینند دارای سایه اند . آیا خورشید سایه دارد . آیا کهکشانها سایه دارند . آیا ملائک (طبق نظر قرآن) سایه دارند . سایه فقط در مورد سیاراتی که دور خورشیدی بگردند معنی دارد و بس . این مطلب باز هم نگاه کوتاه بینانه محمد را به جهان نشان می دهد که از محیط عقب افتاده خودش گرفته است .

خلقت شب

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (۳۳) انبیاء

ترجمه: و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند (۳۳)

اشتباهی که در این آیه وجود دارد اینست که خلقت را به شب نسبت داده است . شب عدم نور است و علیت و ایجاد به امر عدمی تعلق نمی گیرد . مثل اینست که بگوئید خدا هیچ را خلق کرد که غلط است . در افسانه های باستانی یونانی نیز خلقت شب مطرح شده است ۳

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۲۷) عمران

ترجمه: شب را به روز داخل می کنی و روز را به شب داخل می کنی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می سازی و هر که را خواهی بی حساب روزی می دهی (۲۷)

شبهه آیت فوق چندین بار در قرآن تکرار شده است . همان اشکال قبل اینجا هم وجود دارد . شب (عدم نور) چیزی نیست که با نور مخلوط شود . به تعبیر دقیقتر عدم چیزی نیست که آن را با وجود مخلوط کنی . مثلاً در هنگام تاریک و روشن صبحگاه، واقعیت اینست که میزان نور (وجود) کم است نه این که مقداری تاریکی را با نور مخلوط کرده باشیم.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُونُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ (۵) زمر

ترجمه: آسمانها و زمین را به حق آفرید شب را به روز درمی پیچد و روز را به شب درمی پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد هر کدام تا مدتی معین روانند آگاه باش که او همان شکستناپذیر آمرزنده است (۵)

همان غلط قبلی اینجا هم تکرار شده است . شب چیزی نیست که نور را در خود بپیچد و پیچیدن شب به روز هم بی معنی است .

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتِينَ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلٌّ شَيْءٌ فِصْلَانَهُ تَفْصِيلًا (۱۲) اسراء

ترجمه : و شب و روز را دو نشانه خدا قرار دادیم نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم . همان اشتباه تکرار شده است . چون تاریکی امر عدمی است نمی تواند آیت یا نشانه علت یا خالق باشد . اینگونه آیات که شب را امر وجودی گرفته اند در قرآن مکرر آمده اند . البته انتظار نمی رود فردی در عربستان زمان محمد این مطلب فلسفی را بفهمد . طبعاً محمد هم متوجه این خطای تکراری اش نشده است . اما خدا غیر ممکن است نفهمد . بنابر این اینها گفته های محمدند نه خدا .

شهاب سنگ تیری است که به سوی شیطان و جن پرتاب می شود .

در این آیات گفته شده که ستارگان غیر از زینت، برای حفاظت آسمان بالا از شیاطین نیز هستند و شیطانی که گوش دهد با شهاب سنگ ثاقب هدف قرار می گیرد .

إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (۶) وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ (۷) لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيَقْدِفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ (۸) دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ (۹) إِلَّا مَن خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ (۱۰) الصافات

ترجمه : ما آسمان این دنیا را به زیور ستارگان آراستیم (۶) و تا آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کنیم (۷) آنها نمی توانند به عالم بالا گوش فرا دهند و از هر سوی هدف قرار می گیرند (۸) با شدت به دور رانده می شوند و برایشان عذابی دایم است (۹) مگر کسی که استراق سمع کند که شهابی ثاقب (شکافنده) از پی او می تازد (۱۰)

در این آیت نیز به صراحت گفته که ستارگان تیرهایی برای شیاطینند

وَأَقْدَرُ زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵) ملک

ترجمه : و در حقیقت آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آنها را تیرهایی برای شیاطین قرار دادیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده ایم (۵)

و در آیات زیر نیز ستارگان را شهاب ثاقب می داند .

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳) طارق

ترجمه : قسم به آسمان و قسم به طارِق (کوبنده) (۱) و تو چه دانی که کوبنده چیست . (۲) ستاره ثاقب است . (۳) در تفسیر این آیات در حدیث صحیحی آمده است :

- عن ابن عباس قال بينما رسول الله جالس في نفر من أصحابه إذ رمى بنجم فاستنار فقال رسول الله ما كنتم تقولون لمثل هذا في الجاهلية إذا رأيتموه قالوا كنا نقول يموت عظيم أو يولد عظيم فقال رسول الله فإنه لا يرمى به لموت أحد ولا لحياته

ولكن ربنا عز وجل إذا قضى أمرا سيج له حملة العرش ثم سيج أهل السماء الذين يلونهم ثم الذين يلونهم حتى يبلغ التسبيح إلى هذه السماء ثم سأل أهل السماء السادسة أهل السماء السابعة ماذا قال ربكم قال فيخبرونهم ثم يستخير أهل كل سماء حتى يبلغ الخبر أهل السماء الدنيا ويختطف الشياطين السمع فيرمون فيقذفونها إلى أوليائهم ... قال أبو عيسى هذا حديث حسن صحيح (سنن ترمذی ۳۶۲/۵ و تفسیر طبری ۳۷/۲۳)

ترجمه : هنگامیکه پیامبر در جمعی از اصحابش نشسته بود ستاره ای پرتاب شد و نور ایجاد کرد . پیامبر گفت در جاهلیت وقتی چنین چیزی را می دیدید در مورد آن چه می گفتید؟ گفتند ما می گفتیم که فرد بزرگی می میرد یا به دنیا می آید . پیامبر گفت برای مرگ و حیات کسی پرتاب نمی شود و لکن پروردگار هر گاه تصمیم به کاری می گیرد (قضی امرا) حمل کنندگان عرش او را تسبیح می گویند سپس اهل آسمان مجاور آنان تسبیح می گویند تا تسبیح به این آسمان (آسمان دنیا) می رسد . سپس اهل آسمان ششم از اهل آسمان هفتم می پرسند خدای شما چه گفت؟ پس به آنان خبر می دهند . سپس اهل هر آسمان از خبر می پرسند تا خبر به اهل آسمان دنیا می رسد و شیاطین استراق سمع می کنند پس به سوی آنان پرتاب می شوند و اولیائشان مورد هدف قرار می گیرند.

حدیث فوق هم مطالب آیات را تکرار می کند . در مجموع در آیات فوق دو غلط فاحش وجود دارد . اول این که ستارگان را همان شهابهای ثاقب دانسته است و دوم این که گفته این شهابهای ثاقب تیرهایی هستند که در هنگام گوش دادن شیاطین (یا جن در آیت ۹ سوره جن) به سوی شیاطین پرتاب می شوند . اما امروزه ما می دانیم که ستارگان کرات آسمانی فروزانی شبیه خورشید هستند که با سوخت هسته ئی حرارت و نور تولید می کنند و ربطی به شهاب ثاقب ندارند و آنچه ما به عنوان شهاب ثاقب می بینیم خرده های سنگ ناشی از انفجارهای ستارگانند که در فضا پراکنده اند و هنگامی که زمین در مسیر حرکتش در معرض این قطعات سنگ قرار می گیرد، برخورد سنگها با جو زمین موجب سوختن آنان و ایجاد نور می شود.

زمان و موقعیت برخورد جو با این قطعات نیز قابل محاسبه و پیش بینی است . بنابراین نه ستارگان شهابند و نه شهاب برای زدن شیطان پرتاب می شود.

جالب است بدانید که این باور خرافی در دوره جاهلیت در نزد اهل کهنانت عربستان هم وجود داشته است . به طور خلاصه یکی از اصحاب محمد می گوید روزی در حضور پیامبر از کهنانت صحبت شد . من گفتم به پدر و مادرم سوگند من اولین کسی هستم که در مورد حفاظت و حراست آسمان از شنیدن شیاطین آگاه شدم . سپس از قول کاهنی به نام خطر بن مالک نقل می کند که گفته است شهاب سنگها برای دور کردن شیاطین پرتاب می شوند ۴

ادامه دارد

پاورقی ها:

۱ - دلایل النبوه اثر حافظ بیهقی ۱۰۸/۲

۲ - خواطر حول قرآن و محمد، الختیار

3 Hesiod. Theogony, 116; 123-132

۴ - الناس عیون الأثر فی المغازی و السیر، ابن سید